

## مقاله

### نهادهای مالی بر تارک بازار سرمایه

دکتر احمد احمدپور

در رو به توسعه و رشد بودن بازار سرمایه ایران عزیز گمانی نیست. هشدار توسعه نیافتگی بازار اوراق بهادار و مزده رو به رشد بودن آن در بطن این جمله مستتر است. توسعه نیافتن بازار سرمایه در تعداد محدود سرمایه گذاران، درخور توجه نبودن ارزش و حجم معاملات و ارزش اندک بازار نمود می یابد که همگی به نوبه خود از نبود ابزارهای مالی متنوع، وجود واسطه ها و نهادهای مالی سنتی و دولتی بودن ساختار اقتصاد ملی متأثرند. بارقه امید رو به توسعه بودن بازار سرمایه نیز با امکان طراحی و عرضه ابزارهای مالی مدرن بر اساس قانون جدید بازار اوراق بهادار، تفکیک نهادهای نظارتی و اجرایی که به تقویت هر دو بخش می انجامد، امکان تشکیل فرابورس هایی که عمق و حجم معاملات را افزایش می دهند، عزم راسخ شخص نخست نظام به تغییر و اصلاح ساختار اقتصادی و خصوصی سازی آن و هم چنین تولد نهادهای مالی نوین، تأیید گرفته است.

فارغ از دیگر موارد پیش گفته ارتقای کیفی و کمی واسطه های مالی فعال در بازار اوراق بهادار و تولد نهادهای مالی نوینی هم چون شرکت های تأمین سرمایه، صندوق های سرمایه گذاری، مؤسسات رتبه بندی و پردازش گران اطلاعات مالی در کنار سامان دهی و تنظیم فعالیت نهادهایی نظیر شرکت های سرمایه گذاری، شرکت های مادر (هلدینگ)، مشاوران سرمایه گذاری، سیدگردانان و بازارگردانان نقش به سزایی در تعمیق بازار سرمایه و سامان دهی فرآیند تبدیل پس انداز به سرمایه

خواهد داشت. در این میان پاگذاری کانون‌های فعال در بازار سرمایه همانند کانون کارگزاران و کانون نهادهای سرمایه‌گذاری به عرصه بازار سرمایه، خود خیر مبارکی است که می‌تواند نویدبخش بهبود سازوکار تصوراتی و نظارتی نهادهای مالی باشد.

کانون‌ها به عنوان تشکل‌های خودانتظامی که از توانایی وضع و اجرای ضوابط و استانداردهای حرفه‌ای برخوردارند می‌توانند ایفاگر نقش واسطه میان نهادهای عالی نظارتی و اعضای خود باشند و با درک نیازمندی‌های صنعت مورد فعالیت خود و هم‌چنین اهداف و دل‌نگرانی‌های مقام ناظر بازار سرمایه در وضع و اجرای مقررات مربوطه تأثیری به‌سزا بگذارند.

بدین ترتیب شرکت‌های تأمین سرمایه که طیف متنوعی از خدمات مالی را ارائه می‌دهند و در سامان‌دهی بازار اولیه تخصص دارند، صندوق‌های سرمایه‌گذاری که پس‌اندازهای خرد و کلان را در چارچوبی مشخص و تعیین شده و با مدیریتی حرفه‌ای و مجرب به بازار اوراق بهادار هدایت می‌کنند و نقدشوندگی سرمایه‌گذاری در این بازار را به گونه‌ی درخور توجهی می‌افزایند، مشاوران و سب‌گردانان که به یاری سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای می‌شتابند و به راهنمایی و راهبری آن‌ها می‌پردازند، مؤسسات رتبه‌بندی که اعتبار ناشران را محک زده و عیان می‌سازند و پردازش‌گران اطلاعات مالی که اطلاعات بازار را جمع‌آوری و طبقه‌بندی کرده و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهند، همگی با حضور خود در بازار اوراق بهادار بر کیفیت و کمیت سرمایه‌گذاری‌ها خواهند افزود.

در این میان هرچند قانون جدید بازار سرمایه امکان تأسیس و بروز نهادهای مالی یاد شده را فراهم آورده، لکن فرآیند تأسیس و چگونگی فعالیت آن‌ها خود نیازمند تدوین و تبیین مقررات و ضوابطی درخور است که بی‌توجه به پژوهش و دست‌یابی به درک مناسب از الزامات فعالیت هر یک امکان‌پذیر نخواهد بود. بدین ترتیب سازمان بورس و اوراق بهادار با تلاش بسیار می‌کوشد تا با شناخت چگونگی و الزامات فعالیت نهادهای مالی و درک سازوکار فعالیت آن‌ها و شناخت تضادهای منافع احتمالی به مقررات مناسبی دست یافته و مسیر تولد نهادهای مالی را هموار سازد که این امر تا حد قابل قبولی برای شرکت‌های رتبه‌بندی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری تحقق یافته و هم‌چنان به پیش می‌رود.